

بسم الله الرحمن الرحيم

نصرت از آن کسانی است که به عزیمت عمل می‌کنند، نه رخصت

(ترجمه)

در این مقاله دنبال بررسی موضوع رخصت، مصلحت، ضرورت و سایر اصطلاحات مشابه و مربوط به این موضوع نیستیم، زیرا این مسائل مربوط به اصول فقه بوده و بحث در مورد آن، عرصه‌های خاص خود را دارد. اما یادآور باید شد، آنانی که این اصول و قواعد را بالای همه‌چیز عام نموده و به این باور اند که اصول و قواعد مذکور در مورد افراد، گروه‌ها و دولت‌ها صدق می‌کند، سخت در اشتباه اند. البته این نیز موضوع نوشته حاضر نیست.

شکی نیست که قضیه سرنوشت‌ساز مسلمانان در حال حاضر، همانا برگرداندن دولت خلافت به صحنه واقعی زندگی است تا اسلام توسط این دولت تطبیق گردد و این کار ممکن نیست، مگر با فعالیت گروهی. الگوی نیکوی ما در این کار، رسول الله صلی الله علیه و سلم است، چنان‌چه وی صلی الله علیه و سلم از کسانی که به او و رسالت‌اش ایمان آورده بودند، کتله یا گروهی را تشکیل داد و سپس راه افتاد.

موضوعی را که در این مقاله می‌خواهم به بحث گیرم، این است که ایجاد تغییر و برگرداندن اسلام به صحنه زندگی به هیچ‌وجه صورت نخواهد گرفت، مگر با دست‌ان گروهی که با "عزیمت" به احکام اسلام عمل می‌نمایند و در فعالیت‌های خویش از آن‌چه که "رخصت"، ضرورت‌ها، مصلحت‌ها و غیره گفته می‌شود، کار نمی‌گیرند. (ضمناً باید یادآوری نمود که برخی از کسانی که دیدگاه استفاده از رخصت‌ها را دارند، ادعا می‌کنند که این دیدگاه باید عام شود).

زمانی که از لزوم تغییر صحبت می‌کنیم، به این معناست که واقعبینان موجود مخالف اسلام بوده و حاکمان و نظام‌های موجود بر اساس کفر حکم می‌نمایند. از جانب دیگر؛ تطبیق نشدن اسلام می‌طلبد که افکار، احساسات و نظام‌های موجود در چنین جامعه‌ای باید به گونه ریشه‌ای تغییر داده شود. این بدان معناست که میان دعوت‌گران تغییر و کسانی که جامعه موجود را به پیش می‌برند و از امکانات، پول و قدرت برخوردار هستند، کشمکش شدید و طاقت‌فرسایی جریان دارد و چنین کشمکشی می‌طلبد که تغییر خواهان، جامعه موجود را با شدت تمام و خصومت مطلق با گرداننده‌گان آن رد نموده و غیرقابل قبول بدانند.

این‌جاست که قضیه سازش، برگزاری روابط، رخصت، ضرورت و منافع مطرح می‌گردد، اما باید در نظر داشت که سیرت رسول الله صلی الله علیه و سلم در تغییر جامعه و موقف‌گیری‌های وی صلی الله علیه و سلم در برابر موقف‌گیری‌های گرداننده‌گان جامعه مکه بسیار روشن و هویداست. چنان‌چه رسول الله علیه السلام در دعوت و کشمکش خویش با کفار و اهل کفر تمام امور زندگی آنان را با قاطعیت و روشنی کامل به چالش می‌کشید. همان رسول اینک الگو و نمونه ماست. او صلی الله علیه و سلم با انتقاد تند و تیز به سراغ عادات و مفاهیمی می‌رفت که مخالف دین جدید بود، عیب رهبران آنان را بیان و از واقعبین‌های شان پرده بر می‌داشت، بدون این‌که به رخصت و مصلحت‌ها هیچ‌گونه توجهی به خرج دهد و هرگز سعی نکرد در نیمه راه با آنان کنار آید، یعنی چیزی به نام "نقطه مشترک، یک بخش را بگیریم تا همه را از دست ندهیم، میدان را نباید از دست داد و... وجود نداشت، چنان‌که برخی از احزاب و جریان‌ها فعالیت‌های خود را توجیه می‌کنند، بلکه موقف وی صلی الله علیه و سلم طوری بود که به صراحت به آنان می‌گفت که تمام آن‌چه شما به آن پایبندی می‌کنید، باطل و گمراهی است و من هرگز در برابر آن سکوت نکرده و هرگز از موقف خویش کوتاه نخواهم آمد. امروزه نیز نیاز است در برابر باطل و گمراهی‌ها چنین موقف قاطع و روشنی گرفته شود.

در یکی از مراحل دعوت، مکه و طائف از رسول الله صلی الله علیه و سلم روی‌گردان شدند، قبایل دعوت او را رد کرده، از وی روی گردانیدند و در نتیجه، وی صلی الله علیه و سلم و اصحاب‌اش در عزلت و حاشیه قرار گرفتند. این واقعبین، امید به تغییر را -از نظر انسانی- تقریباً ناممکن جلوه می‌داد! جامعه مکه و اطراف آن در برابر دعوت منجمد شده بودند، اما با وجود این وضعیت و واقعبین، رسول الله صلی الله علیه و سلم همچنان بر مفکوره و باور خویش پایبند مانده و تمام وعده‌های فریبنده را رد نموده و هرگز حاضر نشد به بهانه مصلحت دعوت، ضرورت و رخصت، ذره‌ای از موقف خود کوتاه بیاید.

باید دانست که موقف‌گیری‌های رسول الله صلی الله علیه وسلم برای ما عین شریعت بوده و پایبندی به آن واجب می‌باشد و از همین‌جاست که قضیه کوتاه آمدن از حق و یا بخشی از حق و یا پذیرفتن برخی از واقعیت‌های حاکم و یا نشستن با گرداننده‌گان جامعه موجود برای مذاکره و سازش به ادعای مصلحت دعوت یا ضرورت و یا استفاده از رخصت، همه و همه مخالف حق بوده و با منهج رسول الله صلی الله علیه وسلم در ایجاد تغییرتناقض دارد. در عین حال چنین موقفی در برابر جوامع موجود به معنای تأیید باطل و اهل باطل و نیز همراهی با ظالمان و فاسقان خواهد بود. این قطعاً نشان دهنده آن است که تلاش‌های حاملین مفکوره سازش و کنار آمدن با حاکمان ظالم امروزه به ادعای مصلحت دعوت و ضرورت، مطمئناً محکوم به شکست بوده و در مسیر تغییر ناکام خواهند ماند و تلاش‌های شان همه هدر خواهد رفت. سهم‌گیری اسلام‌گرایان سودان، تونس، مصر، اردن و غیره نمونه و عبرت بزرگ و روشنی است برای هر صاحب درک و بصیرتی.

سنت الله سبحانه و تعالی همواره این بوده که تغییر تنها با دستان کسانی رقم می‌خورد که به صورت کامل بالای حق پایبند باقی مانده و موقف‌شان در برابر نظام‌های خائن این بوده که به صورت همه‌جانبه از آنان فاصله می‌گیرند؛ همان موقفی که رسول الله صلی الله علیه وسلم در برابر فکر، عادات و مفاهیم اهل مکه و رهبران آن، چنان‌چه با قاطعیت کامل و وضاحت همه‌جانبه، تمام آنچه را که با اسلام مخالفت داشت، اعم از کوچک و بزرگ، به چالش کشید! آیت مبارکه زیر در عصر امروز برای ما پیام و روشنائی همه‌جانبه به شمار می‌رود، آنجا که می‌فرماید:

﴿وَلَا تَرْكَنُوا إِلَى الَّذِينَ ظَلَمُوا فَتَمَسَّكُمُ النَّارُ وَمَا لَكُم مِّنْ دُونِ اللَّهِ مِنْ أَوْلِيَاءَ ثُمَّ لَا تُنصِرُونَ﴾ [هود: 113]

ترجمه: و به کسانی که ستم کرده اند، متمایل مشوید که آتش [دوزخ] به شما می‌رسد و در برابر الله برای شما دوستانی نخواهد بود و سرانجام یاری نخواهید شد!

نویسنده: عطیه الجبارین

مترجم: عبد الله دانشجو

برگرفته از شماره 424 جریده الرایه